

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

چرا باید مرتد گشته شود؟

محقق: وزیر احمد عظیمی

زیر نظر: استاد عتیق اللہ افندی

تہیہ و ترتیب: مرکز ہدایت؛ رد اسلام ستیزان

مرکز ہدایت دیکھ ای بسوی ہدایت ورد اسلام ستیزان و شہادت باطل شان، باما بیونید۔



@Hedayat1442

@Hedayat1442

+93786995835

کشتن مرتد در اسلام

نکاتی پیرامون قتل مرتد

(الف)

شخص مرتد بلافاصله کشته نمی‌شود بلکه در ابتداء با او بحث و مناظره صورت گرفته، و شبهاتی را که دارد از میان برده می‌شود، و دلایل و براهین بر حق بودن اسلام بر او عرضه می‌گردد و به بازگشت به اسلام فراخوانده می‌شود،^۱ و همه‌ی این‌ها با حکمت و موعظه حسنه صورت می‌گیرد، اگر شخص مرتد این منطق فراخوان عقلانی را رد کرده، و بر کفر و ارتدادش اصرار ورزید، دیگر این به مثابه‌ی لجاجت و استکبار است، و او بر دلیلی عقلی و قانع کننده تکیه نکرده است، چرا که اسلام حق بوده و با فطرت و منطق و عقل سلیم هماهنگی و همخوانی دارد، و چیزی در آن وجود ندارد که با منطق در تضاد و بر خورد باشد. آنجاست که دیگر ارتداد او به قصد

^۱ . الأحكام السلطانية، أبو الحسن علي بن محمد بن محمد بن حبيب، الشهير بالماوردي رحمه الله؛ (المتوفى: ۴۵۰هـ)، (ص/۹۴) - الناشر: دار الحديث - القاهرة.



بازی گرفتن اسلام و حيله و نيرنگ و جنگ عليه آن است، و جزايش قتل است.

(ب)

قبل از صدور حکم ارتداد يك فرد مسلمان شروطی وجود دارند که باید تحقق یابند، شروطی همچون: ۱- عقل، ۲- بلوغ؛ زیرا يك شخص دیوانه یا نابالغ از مسئولیت معاف است، ۳- اختیار؛ شخص نباید تحت اجبار باشد، ۴- اراده کفر؛ شخص باید اراده و قصد انجام کفر را داشته باشد، ۵- علم؛ شخص باید آگاه از آنچه که انجام می دهد و همچنین حکم آن باشد.

همچنین ارتداد با: ۱- اعتراف؛ یا ۲- شهادت؛ دو نفر به ثبوت می رسد، در نهایت، بنا به صلاحدید مراجع حقوقی، از کسی که از تداد وی به ثبوت رسیده است به مدت چند روز در خواست می شود که توبه کند.^۲

افزون بر این، مجازات ارتداد، همانند دیگر مجازات ها در اسلام، توسط مراجع حقوقی ذی ربط تعیین و اعمال می گردد و مردم عادی اجازه ندارند که خود به صدور و تفیذ این مجازات ها بپردازند.^۳

^۲. ارتداد در اسلام، (ص/۱).

^۳. فتاوی الشبکه الإسلامية، لجنة الفتوی بالشبکه الإسلامية؛ (ج/۱/ص/۳۷۰۹/رقم/۷۰۷۱۸).

(ج)

اسلام آئینی حق و حقیقی و درست است، اسلام فراخوانی است برای جهانیان، آن کس که از آیین اسلام دست کشیده و مرتد می گردد او با ارتداد خود با اسلام می جنگد، و دیگران را از آن منحرف و منحرف می کند، کسی که مرتکب این جرائم می شود شایسته ی کشته شدن است. بی شک ارتداد و بازگشت از دین گواهی است بر این که شخص عقیده و ایمان را به بازی گرفته، و اسلام و قرآن را مورد تمسخر و ریشخند قرار می دهد.

(د)

شخص مرتد با ارتداد خود چنین شایع می کند که پذیرش و گرویدن به اسلام کاری غلط و اشتباه است، او با ارتداد خود مسلمانان را فرا می خواند که او را سرمشق خود قرار دهند و همچون او از آیین اسلام دست بکشند.

(هـ)

تمامی قوانین بین المللی بر اعدام کسی که در مقابل مصالح درجه اول یک ملت قرار بگیرد، یا فساد و انحرافش آن مصالح را مورد تهدید قرار بدهد،

^۴ . القرآن و نقض مطاعن الرهبان، د صلاح عبد الفتاح الخالدي؛ (ص/۴۳۶) - دار النشر: دار القلم - دمشق.



مثلاً به نفع بیگانگان علیه کشور و ملت خود جاسوسی کند یا بخواهد فساد را در جامعه گسترش بدهد، صحّه می‌گذارند.^۵

(و)

حد مرتد تنها مختص دین اسلام نیست، بلکه در کتب مقدس نیز دستور به کشتن مرتد داده شده است.

در انجیل لوقا باب ۱۹ آیه ی ۲۷ چنین آمده است: «و اما آن دشمنان من که نمی‌خواستند بر آنان حکومت نمایم، ایشان را اینجا بیاورید و در حضور من گردن بزنید.»

در رساله ی عبرانیان باب ۱۰ آیه ی ۲۸ چنین آمده است: «اگر کسی به شریعت موسی بی‌اعتنائی می‌کرد بدون دلسوزی به گواهی دو یا سه شاهد کشته می‌شد.»

در سفر خروج باب ۲۲ آیه ی ۲۰ چنین آمده است: «هر که برای خدایی غیر از یهوه و بس قربانی گذراند البته هلاک گردد.»

علاوه بر کشتن مرتد در عهد قدیم (تورات) برخی جرائمی ذکر شده است که مجازات‌شان قتل می‌باشد؛ همانند:

^۵ . اسلام ناب، (ص/۶۲۰-۶۲۲).

- ۱- خوردن خون: {لاوین: ۲۷/۷}.
- ۲- نزدیکی به حیوانات: {لاوین: ۱۵/۲۰}.
- ۳- نزدیکی به زن در حالت حیض: {لاوین: ۱۸/۲۰}.
- ۴- دشنام دادن والدین {لاوین: ۹/۲۰}.
- ۵- ذبح کردن گاو یا گوسفند در لشکرگاه: {لاویان: ۳/۱۷-۴}.
- ۶- کار کردن در روز کفّاره: {لاویان: ۳۰/۲۳}.
- ۷- کسی که خود را در روز کفّاره ذلیل نسازد: {لاویان: ۲۹/۲۳}.
- ۸- خوردن پیه از جانوری که هدیه آتشین برای یهوه می گذارند: {لاویان: ۲۵/۷}.
- ۹- مرد و زنی که صاحب اجنه یا جادوگر باشند: {لاویان: ۲۷/۲۰}.
- ۱۰- لواط: {لاویان: ۱۳/۲۰}.



وقتی چنین جرائمی سزای شان مرگ است، چگونه بزرگترین جرم که کفر و به خطر انداختن عقیده‌ی مردم نسبت به خالق شان است، سزای آن قتل نباشد؟! در حالی کفر بسیار خطرناکتر می‌باشد؟^۶

شبهه:

خدای متعال می‌فرماید: ﴿لَا إِكْرَاهَ فِي الدِّينِ﴾ {بقره/۲۵۶} این آیه می‌طلبد همان طوری که جایز نیست، کافر را بر قبول اسلام، اجبار نماییم، جایز نیست که در اسلام هم، کسی را اجباراً باقی بگذاریم.

جواب:

(الف)

مراد از ﴿لَا إِكْرَاهَ فِي الدِّينِ﴾ این است که هیچ کسی را در داخل کردن به دین مجبور نسازید؛ زیرا دلایل اسلام واضح و آشکار است و نیازی به مسلمان شدن اجباری کسی نمی‌باشد. اگر کسی مجبوراً مسلمان شود، اسلام وی پذیرفته نمی‌شود؛ زیرا معنی ابتلاء و آزمایش از بین رفته است؛ زیرا تقاضای ابتلاء این می‌باشد که

^۶ . المفصل في الرد على الحضارة الغربية ۱- ۸، علي بن نايف الشحوذ؛ (ج/۵/ص/۲۳۳).

شخص با اختیار خود، اسلام را بر کفر ترجیح دهد؛ چنان که الله متعال می فرماید: {فَمَنْ شَاءَ فَلْيُؤْمِنْ وَمَنْ شَاءَ فَلْيُكْفُرْ} (الکھف: ۲۹)، و هم چنین می فرماید: ﴿وَلَوْ شَاءَ رَبُّكَ لَأَمَنَّ مَنْ فِي الْأَرْضِ كُلَّهُمْ جَمِيعًا أَفَأَنْتَ تُكْرِهُ النَّاسَ حَتَّى يَكُونُوا مُؤْمِنِينَ﴾ (یونس: ۹۹) در حقیقت این آیه ردی است بر مسیحیانی که افراد را به زور وارد دین خویش می ساختند، الله متعال فرمود: چنین دینی در نزد الله پذیرفته نمی شود.^۷

(ب)

﴿لَا إِكْرَاهَ فِي الدِّينِ﴾ هیچ ربطی به مباح بودن ارتداد ندارد؛ زیرا این آیه از موقف مسلمانان در برابر کافران اصلی بحث می کند، نه از کسی که مسلمان بوده و مرتد شده است.^۸

^۷ الخاوي في تفسیر القرآن الکریم (النسخة المطورة: ۱۰۰۰ جزء)، عبد الرحمن بن محمد القماش؛ (جزء/۱۱۵/ص/۶۶).

^۸ فتاوی موقع الألوكة، (ج/۲/ص/۴۸۱).



(ج)

هیچ یک از روایاتی که در شأن نزول این آیه ذکر شده است، دلالت بر این ندارد که آیه درباره‌ی مسلمانانی است که مرتد شده‌اند. به طور مثال در روایتی آمده:

«آیه در مورد مردی از انصار نازل شده که از بنی سالم بن عوف بوده و به وی، حصین گفته می‌شده است. او فرزندان داشت که نصرانی بودند و خودش مردی مسلمان بود، رسول خدا ﷺ فرمود: آیا آنها را به اسلام وادار نمی‌کنی؟ آنها جز اینکه نصرانی باشند را نپذیرفتند، لذا خداوند، این آیه را در این رابطه نازل کرد.»^۹

(ه)

چنانچه آیه ﴿لَا إِكْرَاهَ فِي الدِّينِ﴾ عام است اما توسط احادیث زیادی

۹. سُنَنُ أَبِي دَاوُدَ، سَلِيمَانَ بْنِ شُعَثٍ سَجِسْتَانِي رَضِيَ اللهُ عَنْهُ؛ (المتوفى: ۲۷۵هـ)، (حديث/۲۶۸۲) - الناشر: المكتبة العصرية، صيدا - بيروت + لباب النقول في أسباب النزول، عبد الرحمن بن أبي بكر، جلال الدين السيوطي رَضِيَ اللهُ عَنْهُ؛ (المتوفى: ۹۱۱هـ)، (ص/۳۷) - الناشر: دار الكتب العلمية بيروت - لبنان.

الإحسان في تقريب صحيح ابن حبان، محمد بن حبان بن أحمد، التميمي رَضِيَ اللهُ عَنْهُ؛ (المتوفى: ۳۵۴هـ)، (ج/۱/ص/۳۵۲/رقم/۱۴۰) - الناشر: مؤسسة الرسالة.

۱۰. جامع البيان في تأويل القرآن، محمد بن جرير بن يزيد أبو جعفر الطبري رَضِيَ اللهُ عَنْهُ؛ (المتوفى: ۳۱۰هـ)، (ج/۵/ص/۴۰۹/رقم/۵۸۱۷) - الناشر: مؤسسة الرسالة.

خاص شده که در مورد غیر مرتد می باشد.^{۱۱}

(و)

یکی از ترفندهای اسلام ستیزان گزینشی عمل کردن در برخورد با ادله‌ی مربوط به یک مسئله است؛ به طور مثال: با استدلال به این آیه‌ی ﴿لَا إِكْرَاهَ فِي الدِّينِ﴾ برای لغو مجازات مرتد استدلال می‌گیرند، اما در عین حال بقیه نصوصی را که در این زمینه آمده است و معنای اکراه در دین را بیان می‌کند را نادیده می‌گیرند.^{۱۲}

بین آیات و احادیث ارتباط کاملی وجود دارد؛ به طور مثال: وقتی در سنت نبوی، برای مرتد عقوبت کشته شدن ذکر شده است، این گونه نبوده که ارتباطی با قرآن نداشته است، بلکه در ارتباط کامل

^{۱۱} . عقوبة الارتداد عن الدين بين الأدلة الشرعية وشبهات المنكرين، عبد العظيم إبراهيم محمد المطعني؛ (ص/۲۵) - الناشر: مكتبة وهبة.

^{۱۲} . ریشه‌های پوسیده‌ی شبهات فکری معاصر، احمد بن یوسف السید؛ (ص/۲۰) - ترجمه و تعلیق: بهمن بادینی، ناشر: رد شبهات ملحدین.



بوده به گونه‌ای که طبق قول بسیاری از مفسرین، مراد از ﴿تُقَاتِلُونَهُمْ﴾^{۱۳} جنگیدن با مرتدین می‌باشد.

(ز)

ترک اسلام دو صورت دارد، این که شخص از اول اسلام را قبول نکند، یا بعد از قبول کردن از آن برگردد؛ صورت دوم از اولی سخت‌تر است؛ چنان که در قوانین سلطنت سزای فرد سرکش داخل حکومت بدتر است از افرادی که تحت سلطه‌ی سلطنت نیستند، دلیل این است که آن‌ها در ابتداء سلطنت را قبول کردند و بعد با خرده‌گیری به آن توهین نمودند.^{۱۴}

شبهه:

^{۱۳} . عقوبة الارتداد عن الدين بين الأدلة الشرعية وشبهات المنكرين، عبد العظيم إبراهيم محمد المطعني؛ (ص/۲۹) - الناشر: مكتبة وهبة.

^{۱۴} . أشرف الجواب، حضرت مولانا أشرف علی تھانوی رحمۃ اللہ علیہ؛ (ص/۶۷)، مترجم: امید محمدی، ناشر: آدینه.

احادیثی که در مورد قتل مرتد وارد شده است، در مورد مرتد معمولی نیست بلکه در باره‌ی آن مرتدی است که تفرقه‌اندازی نموده و با اسلام مقابله کند.

جواب:

(الف)

ما پاره‌ای از روایات درباره‌ی قتل مرتد را ذکر می‌کنیم:

۱- از ابن عباس مرفوعاً روایت کرده است: «مَنْ بَدَّلَ دِينَهُ فَاقْتُلُوهُ»
«کسی که دین خود را تغییر داد، او را بکشید.»^{۱۵}

۲- از ابوموسی اشعری رضی الله عنه روایت است که معاذ به دیدن من آمد و من در یمن بودم، مردی یهودی اسلام آورده بود و بعد مرتد شده

^{۱۵}. صحیح بخاری، (حدیث/۶۹۲۴) + الموطأ، مالک بن انس بن مالك بن عامر الأصبجي المدني رحمته الله؛ (المتوفى: ۱۷۹هـ)، (رقم/۲۷۲۶/۵۹۳) - الناشر: مؤسسة زايد بن سلطان أبو ظبي - الإمارات.



بود، معاذ رضی الله عنه گفت: از سواری ام پایین نمی آیم مگر این که کشته شود پس او کشته شد.^{۱۶}

۳- رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: «ریختن خون فرد مسلمانی که به وحدانیت خدا گواهی دهد و مرا رسول خدا، بداند حلال نیست مگر اینکه یکی از این سه مورد را انجام داده باشد: ... و کسی که دینش را ترک گفته باشد و جماعت مسلمین را رها نموده باشد.^{۱۷}

۴- رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم می فرمود: «وقتی غلامی به طرف شرک فرار کرد، کشتنش روا می گردد.»^{۱۸}

۵- عبدالله بن سعد بن ابی سرح، نویسنده‌ی رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم بود که شیطان او را لغزاند و به کفار ملحق شد؛ رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم در روز فتح مکه دستور داد که او را بکشند، حضرت عثمان رضی الله عنه او را پناه داد

^{۱۶} . سُئِنَ أَبِي دَاوُدَ، لِلْحَافِظِ أَبِي سَلِيمَانَ بْنِ أَشْعَثِ سَجِسْتَانِيِّ رضی الله عنه؛ (حدیث/۴۳۵۵) - دارالفکر. + صحیح بخاری، (حدیث/۶۹۲۳).

^{۱۷} . بخاری، (حدیث/۶۸۷۸) + صحیح مسلم، (حدیث/۱۶۷۶) + سُئِنَ تَرْمِذِي، (حدیث/۱۴۰۲) + سُئِنَ أَبِي دَاوُدَ، (حدیث/۴۳۵۲).

^{۱۸} . سُئِنَ أَبِي دَاوُدَ، (حدیث/۴۳۶۰).

و رسول خدا ﷺ هم او را پناه داد.^{۱۹} سبب اینکه او را پناه دادند، این بود که از ارتداد خود توبه کرده و به اسلام باز گشته بود.

۶- محمد بن بکر به علی بن ابی طالب رضی الله عنه نامه نوشت و در مورد مسلمانانی پرسید که زندیق شده‌اند، ... علی مرتضی رضی الله عنه برایش در پاسخ چنین نوشته است: اما دو نفری که زندیق شدند، اگر توبه کنند فبها و گرنه گردن آن دو را بزن.^{۲۰}

احادیث فوق که دال بر مباح بودن خون مرتدین است در هیچ کدام از آنها قیدی نیامده که خون کسی را بنابر شورش و محاربه مباح نماید؛ در این احادیث، کمترین مطلبی بر شورش و محاربه، نیامده است.

^{۱۹} . سُنن ابی داود، (حدیث/۴۳۵۸).

^{۲۰} . المحلی بالآثار، أبو محمد علی بن أحمد بن سعید بن حزم الأندلسی القرطبی الظاهری رحمته الله؛ (المتوفی: ۴۵۶هـ)، (ج/۱۲/ص/۶۵) - (مَسْأَلَةٌ هَلْ تُقَامُ الْحُدُودُ عَلَى أَهْلِ الدِّمَةِ - رقم/۲۱۸۷) - الناشر: دار الفکر - بیروت.



(ب)

هر گاه، حکمی بر صله وارد شود، صله (ماده‌ی اشتقاق) علتی برای آن حکم خواهد بود؛ به طور مثال: ﴿وَالسَّارِقُ وَالسَّارِقَةُ فَاقْطَعُوا أَيْدِيَهُمَا...﴾ {مائده: ۳۸}، «دست زن و مرد دزد را قطع کنید» «سارق» و «سارقه»، صله هستند که ماده‌ی اشتقاق آنها سرقت است، و مدار حکم (قطع) بر علت (سرقت) دور می‌خورد، آیا عاقلی می‌گوید: علت قطع دو دست دزد، چیزی غیر از سرقت است؟ عاقل چطور می‌گوید: که سبب قتل در فرموده‌ی رسول اکرم صلی الله علیه و آله «مَنْ بَدَّلَ دِينَهُ فَاقْتُلُوهُ» چیزی غیر از تبدیل دین است؟

(ج)

در حدیث ابو موسی رضی الله عنه مرد مرتد، جرمی غیر از یهودی شدن را بیان نکرد؛ اگر جرمش شورش بود، قطعاً آن را بیان می‌نمود؛ علاوه از این، چطور یک نفر می‌تواند بدون توان و لشکری، یاغی و

شورشی باشد؟ و معاذ از ابو موسی رضی الله عنه در مورد، چیز دیگری سؤال نکرد که آیا علاوه از ارتداد، مرتکب شورش شده است یا نه؟

(د)

شورش و محاربه، جرمی مستقل است که موجب برهادر شدن خون فرد می شود، چه با وی ارتداد باشد یا نباشد.

(ه)

بزرگترین دلیل دیگر این گروه، حدیث ابن مسعود است که «... التَّارِكُ لِدِينِهِ الْمُفَارِقُ لِلْجَمَاعَةِ» آنان می گویند: این حدیث ترک دین را صرفاً سبب مباح بودن خون انسان نکرده، مگر اینکه از جماعت مسلمین جدا شده باشد.

این استدلال هم باطل است؛ زیرا مراد از جدا شدن از جماعت مسلمین شورش و محاربه نیست؛ بلکه مراد از آن، جدایی گروه

۲۱. صحیح مسلم، (حدیث/۱۶۷۶) - دار إحياء التراث العربي - بیروت.



مسلمین در عقیده است، پس این فرموده‌ی رسول خدا ﷺ «الْمَفَارِقُ لِلْجَمَاعَةِ» صفت واضح کننده یا تأکید کننده برای «التَّارِكُ لِدِينِهِ» است نه این که قید احترازی باشد.

شبهه:

ارتداد، قانونی دنیوی نیست، بلکه گناهی بزرگ است که در آخرت سزای آن داده خواهد شد؛ زیرا خدای متعال برای آنان، عقوبت دنیوی را بیان نکرده، بلکه ذکر کرده که در آخرت عقاب خواهند شد: ﴿وَمَنْ يَرْتَدِدْ مِنْكُمْ عَنْ دِينِهِ فِيمْتَّ وَهُوَ كَافِرٌ فَأُولَئِكَ حَبِطَتْ أَعْمَالُهُمْ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَأُولَئِكَ أَصْحَابُ النَّارِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ﴾ {بقره/۲۱۷} «و کسی که از شما از دینش مرتد شد و بر این اعتقاد خویش مرد، کافر است و اعمالش در دنیا حبطه شده و در آخرت اهل آتش خواهند بود و در آن جاوید خواهند ماند.»

جواب:

۲۲. تکمله فتنح المُلهم، علامه مفتی محمد تقی عثمانی؛ (ج/۱۰/ص/۸۲)، مترجم: جواد عصارودی، ناشر: انتشارات شیخ الإسلام احمد جام.

(الف)

این حرفی باطل است؛ زیرا برای نوشیدن شراب هم در قرآن جزای دنیوی ذکر نشده است؛ در حالی که در احادیث آمده که او را شلاق بزنند، به همین صورت برای ارتداد نیز، در قرآن عقوبتی دنیوی ذکر نشده است اما عقوبت مرتد از اقوال و افعال رسول خدا ﷺ ثابت شده است.^{۲۳}

(ب)

۱- بر خلاف دولت‌های سکولار، نقش یک دولت اسلامی این است که منافع جمعی شهروندان را هم در این دنیا و هم در آخرت حفظ کند، این بدین خاطر است که اسلام متشکل از هم آیین و هم دولت است، رستگاری شهروندان در این دنیا وابسته به حفظ منافع دنیوی آنان و رستگاری شهروندان در آخرت وابسته به حفظ ایمان آنان است، همان‌گونه که علمای اسلام طبقه بندی کرده‌اند، قانون

^{۲۳}. منبع سابق، (ج/۱۰/ص/۸۳).



اسلامی (شریعت) که دولت اسلامی را ایجاد می‌نماید، پنج هدف دارد:

۱- حفظ جان ۲- حفظ مال ۳- حفظ نسل ۴- حفظ عقل ۵- حفظ دین.

جهت حفظ جان قوانین و احکام قصاص را تعیین کرده است، جهت حفظ مال، حد و مجازات سرقت را تعیین کرده است، جهت حفظ نسل، حد و مجازات زنا را تعیین نموده است، جهت حفظ عقل، حد و مجازات شرب را تعیین نموده است، و جهت حفظ دین، حد و مجازات ارتداد را تعیین کرده است.^{۲۴}

بنابراین، ارتداد، به عنوان تعرضی هدف‌دار و آشکارا علیه اسلام، منافع جمعی شهروندان مسلمان را که دولت مسئول حفظ آن است به خطر می‌اندازد؛ زیرا دولت اسلامی به دنبال حفظ ایمان شهروندانش برای تحقق منافع آن‌ها در آخرت است.^{۲۵}

^{۲۴} . اعجاز تشریحی در قرآن، محمد اسماعیل ابراهیم؛ (ص/۱۹)، مترجم: عبداللطیف.

^{۲۵} . ارتداد در اسلام، (ص/۳).

علاوه بر این، یک گروه آشوب گر ممکن است در ابتدای روز وارد اسلام شده و در انتهای روز از آن خارج شوند (همانند آنچه که یهودیان مدینه برای آن برنامه ریخته بودند)، همچون یک حيله، تا در اذهان مردم عادی شک و تردید (نسبت به دین) ایجاد کنند.^{۲۶}

ج

اگر کسی اهل افغانستان نباشد، نمی‌توان او را مجبور به پذیرفتن تابعیت و قانون افغانستان نمود اما اگر تابعیت افغانستان را پذیرفت، در آن صورت بر وی همه‌ی قوانین افغانستان تطبیق پیدا می‌کند؛ تا جایی که اگر اقدامی علیه امنیت عمومی کرده باشد، سزایش مرگ و یا حبس ابد خواهد بود، با این مثال عام فهم باید گفت: حکومت اسلامی نیز حق ندارد کسی را وادار به مسلمان شدن نماید؛ اما اگر شخصی از روی اختیار و آگاهی اسلام را پذیرفت و آن را اعلام

^{۲۶}. فتاوی و استشارات موقع الإسلام اليوم، علماء و طلبه علم؛ (ج/۴/ص/۲۵۸) - الناشر: موقع الإسلام اليوم.



کرد، باید مسؤولیت‌های آن را که یکی از آنها حکم اعدام مرتد است، بپذیرد.^{۲۷}

(د)

سه سؤال ساده:

۱- یک «حکومت اسلامی» بر چه اساسی تشکیل شده است؟ پاسخ: آموزه‌های اسلام.

۲- آیا رد کردن «آموزه‌های اسلام» به معنای تلاش برای از بین بردن «حکومت اسلامی» نیست؟ پاسخ: بله، این کار دقیقاً مصداق تلاش برای «براندازی» حکومت اسلامی است.

۳- آیا تلاش حکومت اسلامی برای مبارزه با «براندازان» یک امر غیر منطقی است؟ پاسخ: به هیچ عنوان، زیرا هر حکومتی چنین واکنشی نشان می‌دهد.

شخص مرتد جهت ستیز با حاکمیت اسلامی بر می خیزد و اسلام هم مانند هر حکومت دیگری این حق را برای خود محفوظ می داند که جهت ابقای موجودیت خود تلاش نماید.

وقتی «براندازی» در هر جای دنیا سزای سنگینی دارد، چرا فقط روی اسلام اشکال وارد می کنند!؟

آیا اگر در کشورهایی همچون فرانسه، انگلیس و... شخصی بخواهد حکومت مبتنی بر «لیبرال-دموکراسی» (دموکراسی آزاد) را سرنگون کند و مانند زمان هیتلر «نازیسم» را بر سر کار بیاورد چه رفتاری با او خواهد شد؟ یا یک کمونیست بخواهد نظام نظام سرمایه داری را از بین ببرد و نظام کمونیستی را ایجاد نماید چه رفتاری با او خواهد شد؟ نمونه‌های آن را در جنگ جهانی دوم دیدیم، پس بدانید در هر کجای دنیا با شخص برانداز مقابله خواهد شد.^{۲۸}

^{۲۸}. الحاد نوین - باتلاق رنگین، مراد یوسفی؛ (ج/۳/ص/۵۹۴) - ناشر: نشر احسان.



شبهه:

کشتن مرتد با اساس آزادی اندیشه در تعارض است.

جواب:**(الف)**

اساس آزادی اندیشه، دلیلی شرعی نیست و اسلام به صورت مطلق، اندیشه را آزاد نگذاشته است؛ بلکه آن را در محدوده‌ی شریعت مقید کرده که حق تجاوز از آن را ندارد؛ یعنی اگر آزادی اندیشه دلیل شرعی می‌بود، باید حق مجازات وجود نمی‌داشت برای کسی که معتقد به جواز زنا باشد، یا کسی که دزدی را جایز بشمارد نباید دستش را قطع نمود، در حالی که چنین نیست.

(ب)

جای تعجب است از این افرادی که شورش را مباح کننده‌ی کشتن شورش می‌دانند، این در حالی است که این مطلب، با آزادی اندیشه

مخالف است، پس چرا ارتداد که شورشی علیه حکومت اسلامی است را مباح کننده‌ی کشتن مرتدین نمی‌دانند.

ج

واقعیت این است که آزادی اندیشه، باید قید و بندهایی داشته باشد و گرنه هر منکر و فساد در دنیا هم آزاد اندیشی به حساب می‌آید و شورش و آشوب عام می‌گردید، این امری معقول است که کسی انکارش نمی‌کند؛ پس سخن از این حدود و قیود باقی ماند که یا آنها را به عقل مجرد خویش واگذاریم یا اینکه آنها را به وحی الهی بسپاریم، شکی نیست که طریق اول با خطاء، اوهام و ظلم و جور روبروست و عقل انسانی نمی‌تواند همگی را بر مبدای واحد جمع نماید؛ زیرا عقل انسانها با هم متفاوت است، پس تعیین شد که آن را به وحی الهی بسپاریم و سنت رسول خدا صلی الله علیه و آله، آزاد اندیشی را به منع ارتداد مقید نموده است و جرم ارتداد را مباح نمودن خون فرد قرار



داده است، لذا توجه به این موارد صحیح است نه مقدمات مبهمی که مبنای اساسی ندارند.^{۲۹}

(د)

مجازات مرتد به معنای آزادی ستیزی نیست، چرا که آزادی فرد تا حدی است که به سازمان و سیستم جامعه و به بنیان‌های اعتقادی و اجتماعی آن آسیب نرساند، همچنین آزادی شخصی مرتد در آشکار ساختن ارتداد و انکار دین، با آزادی گروه مؤمنان در پاسداری از ایمان برخورد پیدا می‌کند و این در حالی است که اینان در جامعه اکثریت بوده و در نتیجه حمایت از آزادیشان در اولویت می‌باشد.^{۳۰}

^{۲۹}. تکمله فتنُ المُلهم - شرح صحیح مسلم، علامه مفتی محمد تقی عثمانی رحمته الله علیه؛ (ج/۱۰/ص/۷۳) - مترجم: جواد عصارودی، ناشر: احمد جام.

^{۳۰}. ویژگی‌های کُلّی اسلام، دکتر یوسف قرضاوی؛ (ص/۵۱)، مترجم و نظارت: جلیل بهرامی نیا.

(هـ)

اعدام مرتد در اسلام به هیچ وجه زیر پا نهادن آزادی اندیشه نیست، چون خود شخص این راه را انتخاب کرده و دانسته که آینده این دین چیست. ^{۳۱}پیش از آنکه کسی می خواهد مسلمان شود، باید این موضوع را بداند که می تواند آزادانه هر دین دیگری را با هر هدفی بپذیرد، اما چنانچه بخواهد دین اسلام را بپذیرد باید همراه با معرفت و بصیرت و صداقت و التزام به اصول و احکام اسلام باشد. ^{۳۲}

(و)

این که کسی علیه دین مورد قبول جامعه قیام کند و اصول و مبانی آن را مردود بشمارد، شعایر و مقدسات آن را مورد تمسخر قرار بدهد و با پیروان آن از در دشمنی درآید به هیچوجه نمی توان نام

^{۳۱}. اسلام ناب، (ص/۶۲۰-۶۲۲).

^{۳۲}. منبع سابق، (ص/۶۲۰-۶۲۲).



آزادی دینی بر آن نهاد، زیرا چنین چیزی در واقع خیانت به دین و مردم است.^{۳۳}

ز

یهودیان از آزادی که به آنان داده شده بود، سوء استفاده کردند و برای ضربه زدن به اسلام و منصرف کردن مردم از آن سوء استفاده نمودند: ﴿وَقَالَتْ طَائِفَةٌ مِّنْ أَهْلِ الْكِتَابِ آمَنُوا بِالَّذِي أُنزِلَ عَلَيَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَجَهَ النَّهَارِ وَكَفُرُوا آخِرَهُ لَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ﴾ {آل عمران: ۷۲} «و جمعی از اهل کتاب به همکیشان خود می گفتند بدانچه بر مسلمانان نازل شده است در آغاز روز ایمان بیاورید و در پایان روز بدان کافر شوید، تا شاید برگردند.» آیا جماعتی که دین خود را محترم می دارند راضی می شوند این گونه دینشان مورد تمسخر و بازی قرار گیرد،^{۳۴} و یا اجازه می دهند که این بازیچه قرار دادن دینشان موفق شود؟!^{۳۵} اسلام می گوید در پذیرش دین اجباری

^{۳۳} . اسلام ناب، (ص/۶۲۰-۶۲۲).

^{۳۴} . المفصل في الرد على الحضارة الغربية ۱- ۸، علي بن نايف الشحوذ؛ (ج/۵/ص/۲۳۴).

^{۳۵} . رد السهام عن خير الأنام، أكرم حسن مرسي؛ (ص/۴۹۹).

نیست ولی بعد از پذیرش آن دیگر اجازه نمی‌دهد به بهانه آزادی
فکری، آن را به بازیچه بگیرند و مرتد گردند این سخره گرفتن را
رسمی سازند.^{۳۶}

^{۳۶}. اسلام پاسخ می‌دهد، محمد غزالی؛ (ص/۳۱۱)، - مترجم: محمود غزالی، ناشر: انتشارات آراس.



@Hedayat1442



۰۰۹۳۷۸۶۹۹۵۸۳۵